

واکنش بازارهای خرید و فروش مواد مخدر در برابر تدابیر کنترلی پلیسی: کاهش یا جابه‌جایی

آزاده صادقی * محمد فرجیها **

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۷)

چکیده:

در برنامه‌های پلیسی ناظر بر کنترل بازار مواد مخدر برای افزایش خطرهای ارتکاب جرم، بر بازداشت فروشندگان و توقیف مواد تأکید شده تا از طریق آن فروشندگان از ورود به بازار بی‌میل شده و یا این که بازداشت شوند. از این منظر، واکنش بازار مواد مخدر در برابر این برنامه‌ها می‌تواند میزان دست‌یابی به اهداف مذکور را مشخص سازد. پرسش اصلی این است که بازارهای مواد مخدر در برابر سیاست‌های کنترل پلیسی چه واکنشی از خود نشان می‌دهند؟ آیا این سیاست‌ها منجر به کاهش فروش مواد مخدر می‌شود یا بخش عمده‌ای از این بازارها از جهت مکانی، تاکتیکی و... جابجا می‌شوند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش از روش‌های الف) مصاحبه عمیق با ۲۷ فروشنده مواد؛ ب) مشاهده غیرمشارکتی عملکرد فروشنده‌ها در بازارهای مواد؛ و پ) تحلیل گفتمان مقامات رسمی استفاده گردید. قلمرو زمانی و مکانی پژوهش نیز از تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱ الی ۱۳۹۵/۰۹/۳۰ در شهر تهران (محل‌های دروازه‌غار و شوش) بوده است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که فروشندگان به مدیریت خطر با اتکا بر راهبردهای گوناگون می‌پردازند. تغییر زمان فروش مواد، استفاده از شگردهای مختلف مانند جاساز، فروش در قالب بازارهای بسته و ... از جمله راهبردهایی است که برای کاهش خطر استفاده می‌شود. افزون بر این، ورود عرضه‌کنندگان جدید به بازار مواد مخدر در پی بازداشت برخی دیگر، تغییر در نوع مواد مخدر یا افزودن ناخالصی موجب مقاومت بازار در برابر برنامه‌های پلیسی می‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه‌های پلیسی، جابه‌جایی موقتی، جابه‌جایی جغرافیایی، اثربخشی، فروشندگان

مواد مخدر

* دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده‌ی مسئول):

sadeghiazade@yahoo.com

** دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

فروش مواد مخدر برخلاف بسیاری از رفتارها به تخصص و یا سرمایه خاصی نیاز ندارد؛ بنابراین اشخاص با انگیزه دستیابی به منابع مالی می‌توانند وارد بازار مواد مخدر شوند. وانگهی، این موضوع به معنای آن نخواهد بود که این فعالیت بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای باشد. نهادهای عدالت کیفری برای افزایش هزینه فرصت این رفتار بزه‌کارانه و برهم زدن تعادل آن، هزینه‌های غیرمالی این رفتارها را از طریق افزایش ریسک بازداشت، توقیف مواد و در واقع افزایش خطر، افزون می‌سازند. به‌طور خاص، نیروهای پلیسی به‌عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری به دنبال کنترل بازار مواد در قالب تمرکز بر افزایش بازداشت، میزان توقیف مواد و افزایش زمان دسترسی به مواد هستند. به همین جهت، آنان برنامه‌هایی را هم در بازارهای سطح بالا و هم سطح پایین مواد مخدر برای اختلال در عملکرد بازار و کاهش مصرف مواد تدوین و اجرا می‌کنند.

هدف نهایی کاهش عرضه موجب می‌گردد تا آنان با ابزارهای مختلف به دنبال افزایش خطر برای فروشندگان و افزایش میزان دستگیری آنان باشند تا فعالیت در آن را به تجارتمندی ناامن و بسیار پرخطر مبدل سازند. در این راستا، نیروهای پلیس از تاکتیک‌هایی چون استفاده فراوان از عملیات مخفیانه خرید و فروش، برنامه‌های سرکوبی، یورش‌های ناگهانی، به‌کارگیری مخبرین و... برای امحای بازار سود می‌برند (مؤیدی، ۱۳۹۴). هم‌چنین، برقراری نظم و امکان کنترل جرایم در منطقه از طریق این رویکرد انگیزه آنان را برای اختلال در بازار مواد تقویت می‌سازد. در واقع، وجود بازارهای مواد برخلاف سایر جرایم به‌عنوان نقطه‌ضعف پلیس محسوب می‌شود و به همین جهت، مقامات پلیس برای نمایش قدرت خویش، اشتیاق به مداخله‌های متعدد برای کنترل بازار به‌عنوان مجموعه‌ای از جرایم مختلف را دارند.

تصور بر این است که با اجرای برنامه‌های سخت‌گیرانه فروشندگان مواد در راستای درک پیام خطر جرم، ادامه ندادن به فروش مواد را بهتر پنداشته و بنابراین از فرایند عرضه خارج گردند. هم‌چنین، دیگران به‌واسطه افزایش خطر از ورود به فعالیت‌های فروش مواد خودداری کنند.

به‌هرروی، بنا بر ادعای طراحان و مجریان برنامه‌های پلیسی، اجرای تمامی تدابیر مذکور پلیس را در جهت کاهش عرضه یاری رسانده و موفقیت آنان را در مبارزه با مواد مخدر تسهیل می‌کند (Caulkins, 2000: 433-444).

با این توضیحات، تدابیر پلیسی کنترل بازار که در قالب پیشگیری وضعی انجام می‌شود، عموماً درصدد کاهش یا حذف بازارهای مواد هستند. در این راستا، به اعتقاد برخی از پژوهش‌گران تغییر مسیر رفتار بزه‌کارانه به‌سوی اشکال کم‌تر مضر و یا به تأخیر انداختن فعالیت‌های مجرمانه را باید در شمار نتایج مثبت این مداخله‌ها آورد. ولی به باور برخی دیگر مداخله‌های پلیسی حتی در صورت کاهش رفتارهای بزه‌کارانه نیز اثربخشی مورد نظر را تأمین نمی‌کند؛ چراکه با توجه به عدم تأثیر برنامه‌های پلیسی در تغییر انگیزه بزه‌کاری، کاهش جرم امری موقتی بوده و بنابراین بزه‌کاران در زمان، مکان یا به شیوه دیگری به رفتارهای مجرمانه ادامه می‌دهند. افزون بر این، در صورت بازداشت این بزه‌کاران، نیز بزه‌کاران دیگری جایگزین می‌شوند.

به‌هرروی، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ارتباط میان برنامه‌های پلیسی و فعالیت‌های بزه‌کارانه فروشندگان در بازارهای مواد مطرح شده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر مداخله‌های پلیسی بر چگونگی واکنش بازارهای خرید و فروش مواد است. به‌طور خاص، برای ارزیابی واکنش فروشندگان به برنامه‌های پلیسی از روش مصاحبه عمیق استفاده گردید. جامعه نمونه، فروشندگان و یا توزیع‌کنندگانی هستند که در حال حاضر به فعالیت در حوزه توزیع و فروش مواد مشغول هستند. بر اساس اشباع نظری و روش گلوله برفی، با تعداد ۲۷ فروشنده مصاحبه عمیق صورت گرفت. تمامی مصاحبه‌های انجام‌شده در محل‌های خرید و فروش مواد مخدر انجام شده است.

هم‌چنین، از مشاهده غیرمشارکتی نیز در این پژوهش استفاده شده که بر اساس آن چگونگی حضور و عملکرد مأموران پلیس و نحوه فروش مواد در بازارهای مواد و تعامل فروشندگان برای تجزیه و تحلیل مطالب از نقاط تمرکز پژوهش بوده است. قلمرو زمانی پژوهش نیز در خصوص مصاحبه‌های عمیق و مشاهده‌های غیرمشارکتی، از بهمن ۱۳۹۴ الی آذر ۱۳۹۵ بوده است. قلمرو

مکانی پژوهش نیز در شهر تهران و به طور خاص در دو محله دروازه غار و شوش بوده است. از سوی دیگر، گفتمان مقامات رسمی در مورد مداخله‌های پلیسی و ارتباط آن با واکنش بازارهای مواد نیز مورد تحلیل قرار گرفت.

نوشتار حاضر در شش بخش تنظیم شده است. در بخش اول واکنش فروشندگان به برنامه‌های پلیسی بر اساس متغیر زمان بررسی می‌گردد. بخش دوم و سوم به تبیین عملکرد فروشندگان در قالب استفاده از شگردهای مختلف برای کاهش خطر بازداشت و هم‌چنین تغییر محیط فروش مواد اختصاص خواهد داشت. در بخش‌های بعدی فروش در قالب بازارهای بسته، تغییر عرضه کنندگان در بازار و تغییر نوع مواد مورد عرضه تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱. جابه‌جایی زمانی؛ تغییر زمان فروش، توقف کوتاه‌مدت فروش

بر اساس نظریه‌های جابه‌جایی، تغییر زمانی و یا جابه‌جایی زمانی^۱ یکی از سازوکارهایی است که به واسطه آن بزه‌کاران نسبت به ارتکاب رفتار بزه‌کارانه بی‌میل نشده و بلکه در زمان دیگری آن رفتار را انجام می‌دهند. یافته‌های مطالعات موجود بیان‌گر آن است که فروشندگان در واکنش به طرح‌های پلیسی از الگوی زمانی خاصی تبعیت کرده و از این طریق تلاش می‌کنند تا با پرهیز از تماس با پلیس، به فروش مواد بپردازند (Moeller et al, 2016:86). بر اساس مطالعه جاکوبز در خصوص رفتارهای فروشندگان در بازارهای مواد، آنان بازداشت را خطر جدی درک نکرده و به رفتارهای خویش ادامه می‌دادند؛ یعنی از فروش مواد در مکان‌ها یا اوضاع و احوال خطرناک پرهیز کرده و در زمان‌هایی که اطمینان به عدم وجود مأموران دارند، به فعالیت‌های بزه‌کارانه می‌پرداختند (Jacobs, 1996: 365).

یافته‌های پژوهش بیان‌گر وجود چنین عکس‌العملی از سوی فروشندگان برای مقابله با خطر بازداشت است، به طوری که یکی از مهم‌ترین واکنش‌های آنان در طول دوران اجرای طرح‌های پلیسی محسوب می‌شود. بر این اساس، از میان ۲۷ فروشنده، ۵ نفر بیان داشتند که در صورت

1. Temporal Displacement

حضور مأموران و اجرای طرح‌های پلیسی تنها در ساعات معینی به فروش مواد می‌پردازند. بیش‌تر آنان فروش را به ساعات پایانی شب و اوقاتی که مأموران پلیس در محله حضور ندارند، اختصاص می‌دهند. مرد فروشنده ۲۳ ساله در توصیف عملکرد مذکور بیان می‌دارد «از خونه نمی‌آیم بیرون و می‌ترسم و ساعت ۱۲ شب می‌آیم و زنگ می‌زنم بیرون ببینیم هستند یا نه و اگر نباشند می‌آیم. در کل، موقع‌هایی که طرح است آخر شب کار می‌کنم» هم‌چنین، بر اساس نتایج مصاحبه‌ها استفاده از این روش در هنگام آغاز طرح بیش‌تر از زمان‌های دیگر است به طوری که برخی از آنان پس از گذشت مدتی از اجرای طرح شیوه پیشین خود در فروش مواد را از سر می‌گیرند. زمان فروش حتی می‌تواند در ساعات پر رفت‌وآمد مانند اوایل غروب یا هنگام ظهر نیز باشد. به گفته بیش‌تر مصاحبه‌شوندگان، مسئله دارای اهمیت، عدم حضور مأموران پلیس در محل فعالیت است چنان‌که با خروج آن و درک احساس امنیت فروش مواد از سر گرفته می‌شود. برای نمونه، در مشاهده شماره ۱ فروشنده در هنگام ظهر در یکی از خیابان‌های محله دروازه‌غار مواد مخدر را به فروش می‌رسانید. از میان ۲۷ فروشنده، ۱۶ نفر از آنان در مجموع مواد را در زمان عدم حضور مأموران به فروش می‌رساندند. برای نمونه، فروشنده شماره ۲ به توصیف این واکنش می‌پردازد «من وقتی مأموران رفتند شروع به فروش می‌کنم یعنی بیا می‌گذاریم و بهمون خبر می‌دهند که کی مأمورها می‌روند». بر اساس ۴ مشاهده صورت گرفته نیز فروشنده‌ها در زمان عدم حضور مأموران در محله به فروش مشغول‌اند و به هنگام ورود آن‌ها برای ساعاتی مکان مورد نظر را ترک می‌کنند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد توقف کوتاه‌مدت فعالیت در بازار مواد برای برخی فروشنده‌ها گزینه محتمل‌تری باشد. بر این اساس، آنان به هنگام اجرای برنامه‌های پلیسی فروش را ترک کرده و پس از بازگشت به حالت عادی فعالیت‌های فروش را از سر می‌گیرند. پاسخ فروشنده شماره ۲۰ مؤید این واکنش است «وقتی طرح باشه، همون موقع دیگه مواد نمی‌فروشم. اگر سخت‌گیری زیاد بوده جونم عزیزتره. من می‌گذارم کامل آب‌ها از آسیاب بیفته. برای مصرف به جاهایی می‌کاشتیم که بتونیم دروش کنیم؛ و بعدش دوباره کار می‌کردیم»؛ بنابراین

فروشنده‌گان خود را با طرح‌های پلیسی هماهنگ ساخته و به موازات اجرای این طرح‌ها واکنش‌های مختلفی را برای حفظ فعالیت خویش و کاهش خطر بازداشت به کار می‌بندند. بر اساس نتایج مطالعات موجود، در ابتدا ممکن است اندکی کاهش در مدت فعالیت‌های فروش مواد به واسطه چنین واکنشی رخ دهد، ولی در یک فرایند بلندمدت با افزایش تجربه‌های فروشنده‌گان، آنان کم‌تر از بازارهای مواد خارج می‌شوند و بیش‌تر زمان فروش را تغییر می‌دهند (Tzvetkova et al, 2016: 84). کما این‌که در میان فروشنده‌گان مورد مطالعه نیز، تنها آن دسته از مصاحبه‌شوندگانی که دارای تجربه‌ای کم‌تر از یک سال در فروش مواد بودند، فعالیت خویش را برای مدتی متوقف می‌نمودند. البته، با توجه به این‌که فعالیت‌های فروش مواد به زمان دیگری منتقل می‌شود و بنابراین میزان فروش تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد، توقف موقت عرضه مواد می‌تواند نکته مثبتی باشد.

۲. جابه‌جایی تکنیکی؛^۱ کاربردهای مختلف برای فروش

بزه‌کاران ممکن است برای کاهش احساس خطر راهبردهای وضعی را بکار گرفته و احتمال بازداشت را کاهش دهند؛ بنابراین ترک فعالیت‌های بزه‌کارانه فروش مواد همواره پاسخ قطعی عرضه‌کننده‌گان در راستای افزایش خطر نیست، بلکه ممکن است عرضه‌کننده‌گان از رهگذر برخی روش‌ها به فعالیت‌های بزه‌کارانه پیشین خویش ادامه دهند. آنان از شگردهای متعدد برای فروش موفق مواد مخدر و جلوگیری از بازداشت استفاده می‌کنند. در واقع، فروشنده‌گان ممکن است در بازارهای مواد در موارد متعدد با پلیس روبرو شوند. استفاده از این شگردها موجب می‌شود تا حتی در صورت حضور پلیس در بازار نیز احساس امنیت نمایند (Moeller et al, 2016: 86). یافته‌های حاصل از پژوهش‌ها نشان‌دهنده کاربردهای مختلف توسط فروشنده‌گان مواد است. جاکوبز با مصاحبه با ۴۰ فروشنده مواد مخدر به برخی از این روش‌ها اشاره کرده است. نخست؛ بسیاری از فروشنده‌گان از جاساز برای فروش مواد استفاده می‌کنند که می‌تواند به

1. Tactical Displacement

صورت‌های گوناگون باشد (Jacobs, 1996: 365). یکی از این موارد استفاده از یک مصرف‌کننده و یا به‌طور کلی یک شخص به‌عنوان جاساز مواد است. به باور پژوهش‌گران در چنین شرایطی زنان مصرف‌کننده گزینه مناسبی برای ایفای نقش جاساز به شمار می‌آیند. چراکه نقش آن‌ها با تصویر فروشنده مواد در جامعه متفاوت است و به همین جهت پوشش مناسبی برای فروش مواد محسوب می‌شوند (Moeller et al, 2016: 86).

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها در ایران نیز بیان‌گر رواج این روش در میان مصاحبه‌شوندگان است. بر اساس مشاهده شماره ۷ فروشنده از یک شخص به‌عنوان جاساز مواد استفاده کرده و خود مواد را ننگه نمی‌داشت. پاسخ فروشنده شماره ۲ نیز مؤید این موضوع است «الان خیلی‌ها از کارتن خواب‌ها برای این کار استفاده می‌کنند و من هم بعضی وقت‌ها بهشون پول می‌دهم که برام مواد رو ننگه دارند.»

جدای از جاساز انسانی، در برخی موارد فروشندگان از برخی اشیاء یا پوشش‌های گیاهی برای پنهان‌سازی مواد استفاده می‌کنند. فروشنده شماره ۱۴ به استفاده از اشیاء برای سهولت در فروش مواد اشاره می‌کند «من موادی رو که تو طول روز می‌خواهم بفروشم را در یک بسته خالی پفک یا چیزهای دیگر در محدوده‌ای نزدیک به خودم می‌گذارم. این طوری اگر پلیس هم من را دستگیر کند چیزی از من به دست نمی‌آورد.» بر اساس مشاهده شماره ۹ نیز فروشنده مواد مخدر را در لابلای سنگ‌ها قرار داده و از طریق راهنمایی خریدار به آن، مواد را می‌فروخت. دفن مواد نیز تاکتیک دیگری برای فروش مواد در میان مصاحبه‌شوندگان است. فروشنده شماره ۴ نیز بر استفاده از جاساز برای مدیریت خطر تأکید می‌کند: «من گاهی اوقات برای این که گیر پلیس نیفتم، موادم رو زیر خاک دفن می‌کنم و بعد به تدریج اون‌ها رو می‌فروشم»

دومین شگرد مورد استفاده فروشنده‌ها برای جلوگیری از بازداشت در هنگام اجرای طرح‌های پلیسی، حمل مقادیر کم مواد مخدر است. در این صورت با توجه به میزان کم مواد در عمل شخص با مجازات شدیدی مانند حبس مواجه نمی‌شود (Fader, 2016:125). بر اساس ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، حمل یا فروش کم‌تر از یک گرم مواد مخدر صنعتی دارای جزای

نقدی و شلاق بوده و مجازات حبس ندارد؛ بنابراین قانون گذار کیفر جرایم مذکور را بر اساس کمیت مواد تعیین نموده است. وقتی مبنای تعیین کیفر میزان مواد قرار گیرد، فروشندگان می توانند الگوی فروش مواد را بر اساس کمیت مواد تنظیم نمایند.

مصاحبه شونده شماره ۳ و ۱۹ با آگاهی به عدم مجازات حبس برای نگهداری کم تر از یک گرم مواد، فعالیت بزه کارانه خود را در قالب حمل کم تر از مقدار مذکور ادامه می دادند. برای نمونه، فروشنده شماره ۱۹ اظهار می دارد: «من همیشه یک گرم با خودم دارم و هیچ وقت نشده که از یک گرم بیش تر با خودم بیرون بیاورم چون زیر یک گرم آزاد هستی. فوقش چند روز بازداشتگاه هستی بعدش آزادت می کنند.»

سومین واکنش فروشنده های مواد استفاده از اشخاص دیگر (به اصطلاح کارگر یا نوچه) برای فروش مواد است. استفاده از این روش به آنها اجازه می دهند تا به آسانی به فعالیت خویش در بازار با وجود مداخله های پلیسی ادامه داده و در صورت بروز خطر به راحتی آن محیط را ترک کنند (Kerr, et. al. 2005:214). افزون بر این، در برخی موارد از اشخاصی به عنوان نگهبان نیز بهره می برند. شکل گیری این نقش های جدید در واکنش به تدابیر پلیسی نحوه فروش و شکل بازار مواد را تغییر می دهد. استفاده از این شگردها موجب می شود که آنها هم چون شهروندان معمولی نشان داده شوند و به همین جهت امکان شناسایی شان توسط پلیس به شدت کاهش یابد. یافته های مصاحبه ها با فروشندگان مؤید این موضوع است، به طوری که چهار نفر از آنان از این طریق مواد را به فروش می رساندند. فروشنده شماره ۲۳ به تغییر نقش عرضه کنندگان در بازارها به عنوان نظارت کننده اشاره می کند: «ما کارگر داریم. چند تا می فروشند و چند تا هم نگهبان داریم. من بیش تر نظارت می کنم. اصلاً جنس دستمون نمی گذاریم و بقیه دارند. هفته ای یکی گیر می کنه و سراغ یکی دیگه می رویم.» بر اساس مصاحبه ها در چنین شیوه ای اصولاً از مصرف کننده های کارتن خواب و حتی افغان ها برای فروش مواد استفاده می شود. مشاهده های شماره ۳ و ۱۰ نیز بیان گر آن است که در برخی مواقع فروشنده اصلی در خانه حضور داشته و

کارگر وی در حوالی آن منطقه به فروش مواد مشغول است و گاهی اوقات فروشنده اصلی کمی دورتر از کارگر خویش بر فرایند فروش نظارت می‌کند. در مواردی، نیز فروشنده‌گان فروش مواد را بر اساس خدمات مبتنی بر تحویل مواد از طریق کارگران خویش انجام می‌دهند. پاسخ فروشنده شماره ۲۳ نشان‌دهنده سهولت فروش مواد با استفاده از کارگران است: «در مورد بعضی مشتری‌ها ما مواد رو به کارگر می‌دهیم و دم خون‌ه‌اش تحویل می‌دهد. این طوری خطر گیر افتادن کارگر کم‌تر میشه»

چهارمین ترفند بسیار مهم برای مدیریت خطر اتکا بر همکاری سایر فروشندگان در بازارهای مواد است. در این روش، فروشندگان در بین خود از علایمی و عباراتی برای اعلام حضور مأموران استفاده نموده و از این طریق وجود مأموران را به سایرین در بازار هشدار می‌دادند. بدین ترتیب، شبکه‌ای از روابط میان فروشندگان شکل گرفته و موجب شده تا آنان در قالب این واکنش جمعی به وجود مأموران پلیس، اثربخشی برنامه‌ها را کاهش دهند.

در این میان، نکته مهم آن است که فروشندگان برای جلوگیری از بازداشت توسط پلیس، به استفاده از یک سازوکار بسنده نکرده، بلکه از چند سازوکار به صورت هم‌زمان استفاده می‌کنند. تکیه بر چند سازوکار به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا به بهترین شکل از خود در برابر طرح‌های پلیسی محافظت کنند و موجب عدم اثربخشی مداخله‌ها شوند (Jacobs, 1996: 368).

نتایج مصاحبه با فروشندگان در ایران نیز نشان‌دهنده آن است که اکثر آنان از ترکیبی از سازوکارها برای عرضه مواد بهره می‌برند. برای نمونه، ۲۱ نفر از ۲۷ فروشنده افزون بر فروش تلفنی مواد به آشنایان، از جاساز نیز استفاده می‌نمودند. در عین حال، در موارد عدم استفاده از جاساز با آگاهی نسبت به میزان مجازات به حمل مقادیر کم مواد برای فروش اقدام می‌نمودند؛ بنابراین آنان با کاهش ریسک ارتکاب جرم از این طریق به فعالیت خویش در بازار با وجود مداخله‌های پلیسی ادامه می‌دهند. هم‌چنین، برخی فروشندگان ممکن است هم‌زمان با فروش تلفنی یا فروش در خانه از جاساز نیز استفاده می‌کنند.

هم چنین، فروشندگان ممکن است بسته به واکنش های بازار و مداخله ها نوع سازوکار خویش را تغییر دهند. در چنین شرایطی، عموماً از سازوکارهای دارای امنیت بیش تر، استفاده می شود (Fader, 2016:125-126). توضیحات مرد فروشنده ۲۷ ساله (شماره ۲۷) در رابطه با شیوه فروش مواد در مدت ۵ سال، نشان دهنده تغییر عملکرد وی برای تأمین امنیت بیش تر است «قبلاً خودم می فروختم ولی الآن از کارگر استفاده می کنم و اصلاً به مواد دست هم نمی زنم» بر این اساس، این سازوکارها ممکن است تغییر نموده و روش دیگری جایگزین آن گردند. تغییر و تحول سازوکارها و یا استفاده از دو یا چند روش به صورت هم زمان یکی از امتیازاتی است که فروشندگان را برای فروش موفق توانا ساخته و به تبع آن اثربخشی مداخله های پلیسی را کم رنگ می سازد. ولی در مواردی که استفاده از یک تکنیک، روش موفق برای تأمین امنیت به حساب آید، حتی در صورت بازداشت نیز تغییری در آن ایجاد نمی شود. پاسخ فروشنده شماره ۲۴ بر این عملکرد دلالت دارد: «من رو بارها گرفتند ولی چون هیچ وقت دستم مواد نبوده فقط چند روز بازداشت بودم و بعد آزاد شدم»

بنابراین، فروشندگان با اتکا بر ترفندهای مختلف و متعدد خود را از خطر بازداشت مواد دور نگه می دارند و حتی ممکن است الگوی فروش مواد را بر اساس طرح های پلیسی تغییر داده و از شیوه های جدید استفاده کنند.

۳. جابه جایی مکانی؛^۱ تغییر مکان فروش؛ فروش در خانه

نظریه جابجایی مبتنی بر این فرض است که جرایم پیشگیری شده بدون کاهش به مکان دیگری منتقل شده است. در این راستا، یکی از مهم ترین سازوکارهایی که از طریق آن فروشندگان امنیت فعالیت های خویش را تأمین می نمایند، تغییر محل فروش مواد است (فرجیها، ۱۳۸۴). پژوهش گران برای ارزیابی این موضوع به بررسی رفتارهای فروشندگان در بازارهای مواد تمرکز نمودند.

1. Geographical displacement

نتایج تحقیقات انجام شده در دیگر کشورها بیانگر آن است که فروشندگان به دنبال خطر بازداشت از سوی پلیس، مکان فروش مواد را تغییر می دهند. برای نمونه، پیرو سیاست های سخت گیرانه در استرالیا برای مقابله با عرضه مواد، مقامات پلیسی در ملبورن^۱ عملیاتی را با عنوان *Operation Clean Heart* از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ اجرا کردند. ارزیابی میزان اثربخشی برنامه های موجود از طریق مصاحبه با فروشندگان و افسران پلیس نشان داد که مهم ترین پیامد این برنامه جابجایی بازار و تغییر مکان فروش بوده است. برای نمونه، یکی از فروشندگان بیان داشت: «کنون من برای تهیه مواد به کینگستون که کم خطرتر است می روم» و یا این که دیگری بیان می داشت «الآن می بینید که کمی دورتر رفته ایم، کمی دورتر از ایستگاه مترو، کمی دورتر از آن فروشگاه و در واقع در همه جا پخش شده ایم». حتی مجریان برنامه های پلیسی نیز موضوع جابجایی فروش مواد را تأیید و افزایش فروش مواد را ملاحظه نمودند (Aitkena et.al. 2002:199-200). در یک نمونه دیگر، محققان اثربخشی برنامه سرکوبی پلیس در ونکور^۲ کانادا را که از آوریل ۲۰۰۳ با هدف اختلال در بازارهای مواد و ورود مصرف کنندگان به بخش درمانی آغاز شد، رد کرده و بیان داشتند که این طرح تنها موجب گردیده تا عرضه کنندگان و مصرف کنندگان به منطقه ای دیگر از شهر بروند (wood et.al. 2004:1551). بر اساس پژوهش می و هوگک نیز همراه با اجرای برنامه های سرکوبی، فروشندگان موقتاً به مکان های دیگر رفته و پس از پایان برنامه های پلیسی، فعالیت های فروش را از سر می گیرند (May and Hough, 2001:158). بر این اساس، می توان ادعا نمود که در نهایت وقفه ای گذرا در فرایند خرید و فروش مواد مخدر حاصل می شود و به محض انتخاب مکان جدید، فعالیت های بازار از سر گرفته خواهد شد.

یافته های مصاحبه ها در ایران نشان دهنده تغییر مکان فروش مواد از سوی فروشندگان است. برخی از آنان به طور کلی چند محله را برای فعالیت خویش انتخاب کرده تا در صورت اجرای طرح در یک محله به محله دیگر بروند. فروشنده شماره ۱۴ به تغییر مکرر مکان فروش مواد اشاره

۱. این طرح پلیسی در منطقه فوت اسکری (Footscray) در حومه شهر ملبورن اجرا گردید.

2. Vancouver

می کند «من چند جا می فروشم. گاهی تو شهرری، گاهی تو اتابک و گاهی هم تو شوش. این طوری هر وقت پلیس یکی از این جاها بیاید، من به جای دیگه می روم»

برخی از پاسخ گویان نیز بدون تعیین مناطق خاص برای فعالیت، در صورت وجود مأموران دائماً مکان فعالیت را تغییر می دهند. برای نمونه، فروشنده شماره ۱۹ که دارای دو سال سابقه فروش مواد است، اظهار می دارد «که حضور و گشت هاشون زیاد باشه، اگر این محل باشه شوش می آیم و یا مولوی یا دروازه غار می روم؛ یعنی از یک محل به محل دیگر دائم جابه جا می شوم» بر همین اساس، تغییر مکان به صورت مکرر یکی از شیوه های معمول برای فروش موفق مواد است. مشاهده های شماره ۵ و ۱۱ نیز بیان گر تغییر مکرر برخی فروشندگان از پارک شوش به خیابان ها و کوچه های اطراف در اوقات مختلف روز برای فروش مواد است. البته، بر پایه مصاحبه ها و مشاهده ها برخی فروشنده های مواد عموماً برای خود قلمرو محلی تعریف می کنند و بنابراین در موارد مداخله های پلیسی در کم تر موردی به قلمرو سایر مواد فروشان نزدیک می شوند. به همین جهت، منطقه مورد فعالیت خویش را تنها به دلیل طرح های کوتاه مدت پلیسی تغییر نمی دهند، بلکه در همان منطقه در مکان های مختلف و اماکن عمومی مانند پارک ها، خیابان ها و کوچه ها فعالیت می کنند.

جدای از این موضوع، یکی دیگر از شیوه های جابجایی در بازار تمرکز محل فعالیت در خانه و اطراف آن است. چنان که برخی از فروشندگان مورد مصاحبه (مانند فروشنده هایی که در محله غربتی ها در منطقه شوش فعالیت می کنند) برای کاهش خطر بازداشت، فروش را به درب خانه ها محدود نموده و از ورود به اماکن باز خودداری می کنند. فروشنده شماره ۲۰ به تشریح علت ترجیح فروش در خانه می پردازد: «من در خونه مواد می فروشم که در است و محکم که بالگد هم باز نمیشه و تا» مأمور بیاید هزار و یک جاساز وجود داره» در واقع آن ها مواد در خانه مخفی کرده و بیرون از آن به بازاریابی مشغول و پس از معامله مواد را به آن ها می دهند. ۲ مشاهده صورت گرفته نیز فروش در کنار درب منزل را تأیید می کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها وجود چنین واکنشی ممکن است در بلندمدت موجب انتقال بازار مواد به مکان دیگر شود. امری که به‌هیچ‌روی مورد نظر طراحان و مجریان برنامه‌های پلیسی نبوده است؛ بنابراین با وجود برنامه‌های کنترل بازار مواد در کنار مراکز قبلی فروش مواد، بازارهای جدیدی شکل گرفته و به نیازهای مشتریان آن منطقه پاسخ دهد. از سوی دیگر، تغییر دائم مکان فروش مواد نیز شناسایی فروشندگان را برای مأموران پلیس سخت‌تر می‌نماید.

۴. جابه‌جایی در گستره جرم ارتكابی: محدود کردن فروش به آشنایان

بر اساس دیدگاه‌های موجود، بازداشت عرضه‌کنندگان مواد و ادامه ندادن به فعالیت‌های بزه‌کارانه از سوی برخی دیگر از عرضه‌کنندگان پیرو افزایش خطر دو واکنش بسیار مهمی است که به دنبال طرح‌های پلیسی در این حوزه روی می‌دهد. پژوهش‌گران برای سنجش این موضوع بر پایه ادله تجربی، الگوی رفتاری عرضه‌کنندگان مواد در بازار را مطالعه نمودند. یافته‌های مطالعات موجود بیان‌گر تغییر عملکرد برخی از فروشندگان از ارائه خدمات به مشتریان آشنا و پرهیز از فروش به ناآشنایان است. البته، این موضوع هم می‌تواند در اماکن خصوصی مانند خانه، باشگاه و هم در اماکن عمومی مانند پارک‌ها و ... صورت گیرد. برای نمونه، ژاکوس و آندرا با مصاحبه عمیق با ۲۹ فروشنده مواد مخدر، بیان داشتند که بسیاری از آنان از فروش به کسانی که در سوءظن پلیس هستند، پرهیز می‌کنند (Jacques and Andrea, 2014: 222-224)، یافته‌های مطالعات بیانگر اهمیت شناخت خریدار در انجام معامله است، به‌طوری‌که فروشندگان مورد مصاحبه از فروش مواد به فروشنده‌های ناآشنا خودداری می‌کردند. می‌وهوگ این موضوع را در دو بازار مواد مخدر در لندن سنجیده و تغییر مدل بازار از بازار باز^۱ به بسته را به دنبال افزایش مداخله‌ها مشاهده نمودند. چنان‌که بر اساس یافته‌های مصاحبه‌های

1. Open Market

از لحاظ واژه‌شناسی بازاری از نوع باز به شمار می‌آید که در آن فروشنده در فروش آزاد بوده و می‌تواند به هر شخصی خدمت‌رسانی کند (Uni, 2004: 9-10).

آن‌ها، در هر دو بازار فروشندگان با تأیید این موضوع طرح‌های پلیسی را برنامه‌های کوتاه‌مدت پنداشته‌اند که به‌ظاهر مشکل‌زا هستند، ولی می‌توان از طریق واکنش‌های مختلف مانند فروش به دوستان به‌راحتی به فعالیت‌های بزه‌کارانه ادامه داد (May and Hough, 2001: 154).

ادامه حیات بازارها به‌واسطه تغییر آن از مدل باز به بسته^۱ گرچه ممکن است سود حاصل از فروش مواد را کاهش دهد، ولی به لحاظ کاهش ریسک، بهتر از فروش به ناآشنایان خواهد بود. در این شرایط، به باور برخی جرم‌شناسان با این‌که فروش به ناآشنایان به‌عنوان یکی از تبعات مداخله‌های پلیس موجب از بین رفتن بازارهای مواد نمی‌شود، لکن نشانه‌ای مثبت از توانایی نفوذ به ساختار بازار و اجبار عرضه‌کنندگان به فعالیت به‌طور پنهانی است (Caulkins, 2000)؛ هم‌چنین، کاهش بازارهای باز و تبدیل آن‌ها به بازارهای بسته موجب کاهش خشونت در بازار مواد شده و به جهت حضور کم‌تر مصرف‌کنندگان در اماکن عمومی از نظر بهداشتی نیز متناسب و هماهنگ با رویکردهای کاهش آسیب است (Stevens, 2013). از این‌رو، پیش‌بینی وقوع برخی جابجایی‌های احتمالی به معنای نفی کارکردی مداخله‌های کیفری نخواهد بود و همین‌که خشونت در بازارها کاهش یافته نکته مثبتی است.

با وجود این، نتایج پژوهش‌های متعدد مبنی بر ازدیاد بیش از اندازه این‌گونه بازارها، استدلال‌های پیشین را ضعیف نشان می‌دهد؛ از یک‌طرف نامرئی‌بودن این بازار به جهت فعالیت‌های پنهانی، نفوذ به آن را از سوی مأموران پلیس سخت‌تر کرده و از طرف دیگر در مجموع از حجم بازار نیز کاسته نمی‌شود؛ زیرا فروشندگان و خریداران به فعالیت‌های بزه‌کارانه خود ادامه می‌دهند. به باور پژوهش‌گران، خرید و فروش بر اساس شناخت طرفین، سیمای حرفه‌ای و انسجام‌یافته بازار را نشان می‌دهد که حتی برنامه‌های سخت‌گیرانه پلیسی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر مقابله با آن داشته باشند. بر اساس نتایج پژوهش‌ها، در این بازارها شناخت نسبت به مشتری

1. Closed Market

بازارهای بسته، بازارهایی هستند که در آن خرید و فروش بر مبنای شناخت طرفین صورت می‌گیرد و فروشندگان ترجیح می‌دهند که تنها به آشنایان و کسانی که شناخت کافی نسبت به آنان دارند، خدمت‌رسانی کنند (Uni, 2004: 9-10).

دارای چنان اهمیتی است که حتی کسب سود بیش تر را تحت تأثیر قرار می دهد، به طوری که برخی از فروشندگان از معامله با مشتریان جدید پرهیز می نمودند (Tzvetkova et.al, 2016: 95).

یافته های مصاحبه با ۲۷ فروشنده در ایران نیز بیان گر عدم اعتماد برخی از آنان به ناآشنایان است. این موضوع موجب می شود تا آن ها از خطرهای معامله صوری توسط مأموران پلیس یا مخبرین در امان باشند. حتی برخی از آنان علی رغم فعالیت در اماکن عمومی هم چون پارک ها، خیابان ها یا کوچه ها خدمات خویش را تنها به آشنایان ارائه می دهند.

به طور خاص، ۱۳ نفر از ۲۷ فروشنده بیان داشتند که دایره فروش خویش را به آشنایان محدود نموده و به هیچ عنوان حتی با پرداخت پول بیش تر حاضر به فروش به ناآشنایان نیستند. فروشنده شماره ۹ به انحصار ارائه مواد به آشنایان اشاره می کند: «فقط به آشناها مواد می دهیم. چون از مأمورها و مخبرها واهمه داریم. نگران از مشتری هایم هم نیستم چون به اندازه ای که برای فروش روزانه ام باشه مشتری های خودمم رو دارم» البته، پیشرفت های فناورانه نظیر استفاده از تلفن همراه به عنوان عاملی تسهیل گر در تغییر بازارهای باز به بازار بسته به شمار آمده است به گونه ای که بیش تر فعالیت های فروشندگان بازار با استفاده از تلفن همراه انجام می شود.

در مجموع، به نظر می رسد تبدیل بازار از حالت باز به بسته نشان دهنده وجود فرایندی است که در آن فروشندگان برای رفع احساس ناامنی خدمات خویش را به آشنایان ارائه می دهند. محدود نمودن مشتریان به اشخاص آشنا، امکان موفقیت برخی تدابیر مانند معامله صوری و یا استفاده از مخبرین را کاهش و شکل انسجام یافته ای از بازار را نشان می دهد.

۵. جابه جایی بزه کاران؛ تعویض و تغییر نقش ها در بازار مواد

بر پایه دیدگاه های موجود تمرکز بر بازداشت عرضه کنندگان مواد، موجب هراس سایرین از فعالیت در بازار شده و در نهایت با کاهش عرضه کنندگان در بازار و افزایش قیمت، کاهش مصرف به عنوان مقصود نهایی حاصل می شود. به همین سبب، مداخله های پلیسی متعددی با هدف

افزایش هزینه‌ها و خطرهای فعالیت در بازار، درصدد بی‌میل ساختن عرضه‌کنندگان از ادامه این فعالیت‌های بزه‌کارانه است.

مطالعات تجربی به سنجش این موضوع پرداخته و بر اساس نتایج به‌دست آمده چالش‌هایی را نسبت به مداخله‌های کنونی مطرح کرده است. بر پایه این مطالعات، در بازار مواد مخدر سود سرشار حاصل از مواد در بازار و به تبع آن انتظار افزایش بیش‌ازپیش قیمت، اشخاص جدیدی را به فروش مواد تحریک می‌کند که در نهایت موجب بازگشت مواد به قیمت اولیه و حتی پایین‌تر از آن می‌شود (Kerr et.al, 2005: 214). جابجایی بزه‌کاران حتی در میان گروه‌ها و سازمان‌ها نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که به جای یک سازمان، سازمان دیگری جایگزین می‌شود. بوجارد این موضوع را در قالب مفهوم انعطاف‌پذیری^۱ مطرح می‌کند. به باور وی بازار هم‌چون سیستم در برابر سطحی از شوک‌های خارجی (مداخله‌های پلیسی) از طریق جایگزین‌سازی اشخاص و گروه‌ها مقاومت نموده و به جهت وجود حالت انعطاف‌پذیری تعادل از دست رفته را بازیافته و به حالت عادی برمی‌گردد (Bouchard, 2007: 329). بر اساس یافته‌های برخی پژوهش‌ها این امر حتی موجب ورود اشخاص جدیدی به عرصه فروش مواد شده که خطرپذیرتر و در عین حال خشن‌تر از فروشندگان پیشین هستند (May et.al, 2005).

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در ایران موید جایگزینی نیروهای انسانی در بازارهای مواد است. فروشنده شماره ۲۵ به چرخه تغییر اشخاص در بازار مواد اشاره می‌کند: «قبل از این که من پیام این جا کار کنم شخص دیگه‌ای کار می‌کرد بعد از این که دستگیر شد من به جای اون این جا هستم» فروشنده شماره ۲۲ نیز با اشاره به بازداشت فروشنده‌هایی که تحت نظر وی فعالیت می‌کردند و جایگزینی آن‌ها با اشخاص دیگر بیان می‌دارد: «هر چند وقت یکی از کارگرم گیر می‌فته و به جاش یکی دیگه رو بیا می‌گذارم یا این که برام بفروشه» از این رو، تعویض و تغییر نقش‌ها در بازار مواد به جای حذف آن رویه‌ای بسیار بدیهی محسوب می‌گردد که بر اساس آن

1. Elasticity

کثرت بازداشت‌شدگان بر خلاف ادعای مجریان برنامه‌های پلیسی، به معنای موفقیت این تدابیر پلیسی نیست.

در حقیقت، یکی از عوامل بسیار مؤثر در انعطاف‌پذیری و مقاومت بازارهای مواد علی‌رغم مداخله‌های سخت‌گیرانه مکرر و متعدد، وجود نیروی کاری است که هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. خصوصیت جایگزین‌سازی عرضه‌کنندگان در بازار مواد یکی از عوامل مهم برای انعطاف‌پذیری بازار در برابر طرح‌های پلیسی است. دست‌یابی به سود و نبود موانع زیاد برای ورود به این فعالیت انگیزه ورود بسیاری از اشخاص به این حوزه خواهد بود تا با فروش مواد به سود بسیار دست یابند. در این زمینه، حتی مصرف‌کننده‌ها نیز با برعهده گرفتن نقش‌های دلالی، واسطه‌گری و حمل مواد به فروشندگان بازار اضافه می‌شوند. فروشنده شماره ۴ نقش مصرف‌کنندگان را در بازارهای مواد توصیف می‌نماید: «الآن در بازار همه تو کار پخش‌اند. مصرف‌کننده‌ها هم اکثرشان برای موادفروش‌ها دلالی می‌کنند و در افزایش مواد می‌گیرند»؛ بنابراین نقش‌ها در بازار مواد در حال تغییر و تعویض است، به طوری که مصرف‌کننده گاه تنها نقش خریدار را داشته و گاه به چرخه فروش بازگشته و فعالیت‌های فروش را از سر می‌گیرد.

در مجموع، حتی اثربخش‌ترین رویکردهای پلیسی نمی‌توانند این ویژگی سرسختانه بازار مواد را از بین ببرند. این درحالی است که شاخص افزایش میزان دستگیری‌ها در گفتمان مقامات رسمی امری معمول برای نشان دادن مقابله موفق با عرضه‌کنندگان است.^۱ با وجود این، به نظر می‌رسد این موضوع بر انعطاف‌پذیری بازار به واسطه ورود فروشنده‌ها و عرضه‌کننده‌های جدید دلالت دارد.

۱. برای نمونه، به گفته‌ی رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور در سال ۱۳۹۳ میزان بازداشت‌شدگان با ۲۷ درصد افزایش از ۲۷۸۳۵۱ نفر به ۳۵۴۰۰۰ نفر رسیده است؛ هم‌چنین در سال ۱۳۹۴ نیز این میزان ۳۴۰۰۰ نفر رسیده است
<http://www.ghatreh.com/news/nn30686846>

۶. جابه‌جایی نوع مواد مخدر؛ تغییر نوع مواد مخدر مورد عرضه

مقامات پلیس برای کنترل بازار مواد مخدر با این فرض که افزایش توقیف مواد مخدر موجب کاهش حجم مصرفی مواد می‌گردد، برنامه‌های گوناگونی را در دوره‌های مختلف و نسبت به مواد مخدر متعددی اجرا می‌کنند؛ بنابراین تمرکز فعالیت‌های پلیسی بر افزایش کشفیات مواد مخدر خواهد بود. در این راستا، پژوهش‌های زیادی با هدف ارزیابی مداخله‌های پلیسی از این منظر صورت گرفته است.

بر اساس نتایج پژوهش‌ها عرضه‌کنندگان در بازار در پی افزایش خطر ممکن است افزون بر افزایش قیمت با تولید مواد مخدر جدید که گاه ارزان‌تر از نمونه‌های پیشین است، به آن پاسخ دهند. این موضوع در نهایت موجب تغییر نوع مواد مخدر در بازار مواد می‌شود. هم‌چنین، توزیع‌کنندگان ممکن است با توجه به کمبود مواد با افزودن ناخالصی به ارائه بسته‌های دارای ناخالصی پرداخته و سود خویش را افزون سازند. نمونه آن ارائه و معرفی کراک به‌عنوان ماده مخدر ارزان در مقابل کمبود هرویین و کوکائین در اوایل جنگ علیه مواد مخدر در ایالات متحده است، به‌طوری‌که جرم‌شناسان اوج شهرت کراک را به همین دهه منتسب می‌دانند (Brownstein et.al, 2007: 53). در استرالیا لاکسلی به بررسی واکنش ۳۳ فروشنده به دنبال افزایش شدت مداخله‌های پلیسی نسبت به ماده مخدر کانابیس^۱ پرداخت. نتایج مطالعه وی بیان‌گر آن است که فروشندگان در پی کمبود کانابیس از بازارهای مواد خارج نمی‌شوند، بلکه به فروش آمفتامین روی می‌آورند (Loxley, 1998: 116-118). وجود این موضوع موجب شد تا در نهایت الگوی مصرف از کانابیس به آمفتامین تغییر یافته و حتی جایگزین آن گردد. هماهنگ با این موضوع، نتایج پژوهش‌های ارزیابی نشان داد که علی‌رغم کمبود هرویین در استرالیا به دنبال تشدید مداخله‌ها از اوایل ۲۰۰۰، تغییر در میزان مصرف کلی حاصل نشده است؛ زیرا عرضه‌کنندگان به ارائه مواد مخدر جایگزین نظیر مت‌آمفتامین و مواد محرک پرداختند (Bush

1. Cannabis

3-2:2004, et.al)؛ بنابراین علی‌رغم این که برنامه‌های پلیسی ممکن است به افزایش قیمت و کاهش عرضه یک ماده در بازار بیانجامد، ولی به دلیل عرضه مواد مخدر جایگزین، در نهایت اهداف مورد نظر طرح یا برنامه به دست نمی‌آید. بر این پایه، این تدابیر تنها در کوتاه‌مدت کارا به نظر می‌رسد و در بلندمدت بهانه‌ای برای تولید و فروش مواد مخدر جدید در بازار به حساب می‌آید.

یافته‌های حاصل از مطالعات انجام‌شده در ایران نیز واکنش فروشندگان به صورت تغییر نوع مواد را تأیید می‌کند. بر پایه پژوهش‌ها بیش‌ترین علت تغییر الگوی مصرف از تریاک به هرویین در خراسان شمالی در سال ۱۳۸۹ کمبود و ناخالصی تریاک عنوان گردید (قربانی؛ برسلانی، ۱۳۹۱: ۷۱).

همین جریان را می‌توان در ارائه کراک در ایران از سوی عرضه‌کنندگان از اوایل ۱۳۸۲ به بعد به عنوان ماده‌ای دارای لذت بالایی مصرف و در عین حال ارزان در مقایسه با نمونه‌هایی مانند هرویین و تریاک ملاحظه نمود. اظهارات رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور در سال ۱۳۸۹ مؤید جریان تغییر نوع مواد مخدر مورد عرضه در بازار است. «روند تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به گونه‌ای است که میزان هرویین کشف‌شده به شدت کاهش یافته و جای خود را به هرویین فشرده (کراک) می‌دهد. تغییر الگوی مصرف باعث شده تا قاچاقچیان به جای حمل ۵ تن تریاک، این مقدار را به ۵۰۰ کیلو کراک تبدیل کرده و به راحتی آن را جابه‌جا کنند و به فروش برسانند»^۱. تغییر نوع مواد مخدر را می‌توان در عکس‌العمل بازار در ارائه شیشه یا هرویین به جای کراک نیز مشاهده نمود. با توجه به افزایش مصرف کراک در کشور برنامه‌های سخت‌گیرانه‌ای برای کاهش حجم این ماده مصرفی در کشور اجرا گردید؛ لکن بر اساس یافته‌های موجود بازار مواد مخدر مختل نشده و مواد مخدر جدیدی جایگزین شده است. به گفته مدیرکل عرضه ستاد مبارزه با مواد مخدر در ۱۳۹۳ پس از افزایش سخت‌گیری‌ها، کشفیات هرویین در کشور افزایش یافته

1. <http://www.salamatnews.com/news/24697>

که این به معنای واکنش بازار به مداخله‌ها به شکل ارائه هرویین به جای کراک است. «با توجه به مقابله جدی با کراک، هرویین در حال جایگزینی کراک است. از ۳۱ استان کشور در ۳۰ استان شاهد کاهش کشفیات این مخدر هستیم و به جای آن کشفیات هرویین در حال افزایش است»^۱.

از سوی دیگر، عکس‌العمل عرضه‌کنندگان در قالب فروش مواد دارای ناخالصی نیز در گفتمان مقامات رسمی تأیید شده است. برای نمونه، اظهارات رئیس کارگروه کاهش تقاضای مواد مخدر کمیسیون مبارزه با مواد مخدر ناخالصی در مواد را پس از افزایش شدت مقابله در حوزه شیشه از سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. «با توجه به افزایش قیمت شیشه سودجویان راه‌کاری برای فروش شیشه از طریق تبلیغات کذب اما با قیمت پایین‌تر را به مصرف‌کنندگان مواد مخدر پیشنهاد می‌دهند که این نوع شیشه ناخالصی زیادی دارد. قیمت این نوع شیشه با ناخالصی فراوان ۳۰ تا ۴۰ پایین‌تر از قیمت شیشه با ناخالصی کم‌تر است و این نوع تبلیغات به خاطر وجود ناخالصی فراوان است»^۲. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران نیز وجود ناخالصی در مواد را تأیید کرده است «کیفیت مواد مخدر افت کرده است، به گونه‌ای که مواد اضافه‌شده و ناخالصی‌های موجود در مخدرها خطر جانی برای مصرف‌کنندگان به همراه دارد»^۳.

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز کاهش کیفیت مواد را تأیید می‌نماید. تمام مصاحبه‌شوندگان در کاهش کیفیت مواد اعم از هرویین یا شیشه در سال‌های اخیر نسبت به سال‌های پیشین اتفاق نظر داشته و افزودن ناخالصی را به توزیع‌کنندگان و تولیدکنندگان نسبت داده‌اند. زن فروشنده ۵۱ ساله (مصاحبه‌شونده شماره ۳) که مصرف‌کننده نیز بود، معتقد است «وقتی که جنس مخصوصاً کم‌تر شود، بالایی‌ها در شیشه جوهر نمک می‌زنند. نمک چیزی است که جنس را خراب نمی‌کند».

1. <http://hamshahrionline.ir/details/258509>
2. <http://www8.irna.ir/fa/News/81673272/>
3. <http://www.farhangnews.ir/content/89206>

در مجموع ممکن است تعادل بازار در کوتاه مدت با کمبود یک ماده مخدر به هم بخورد، ولی ادله تجربی نشان دهنده آن است که در بلندمدت تولیدکنندگان و عرضه کنندگان با معرفی مواد جدید و یا افزودن ناخالصی، بازار را مدیریت کرده و به نیازهای مشتریان پاسخ می دهند.

برآمد

بر اساس نتایج پژوهش‌ها، فروشندگان در بازار مواد بیش از آن که به دنبال اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پلیسی احساس خطر نموده و بازار را ترک کنند، با تکیه بر برخی سازوکارها و عملکردها به رفتار بزه کارانه خویش ادامه می دهند. در حقیقت، برنامه‌های سرکوبی پلیس بر مبنای یکسانی رفتار فروشندگان اجرا می شود، حال آن که بر پایه توضیحات مذکور فروشندگان از شگردهای مختلف برای کاهش خطر بازداشت استفاده می کنند.

یافته‌های پژوهش نشان دهنده فعالیت دو بازار باز و بسته در کنار یکدیگر است. از یک سو، برخی فروشندگان با محدود نمودن مشتریان به آشنایان، مواد مخدر را به فروش می رسانند. از سوی دیگر، برخی از آنان با اتکا بر شگردهای مختلف مانند جاساز، حمل مقادیر کم و ... ارائه خدمات خویش به کلیه مصرف کنندگان، در بازارهای باز فعالیت می کنند. این شبکه‌های مختلف از فروشندگان در قالب بازار باز و بسته توانسته است به طرز مطلوبی پاسخ گوی نیازهای مشتریان باشد. ورود عرضه کنندگان جدید به بازار مواد به جای فروشندگان بازداشت شده، تغییر نوع مواد مورد عرضه و یا افزودن ناخالصی، نیز بازار را در برابر مداخله‌ها انعطاف پذیر می سازد. بر همین اساس در رابطه با بازارهای مواد مخدر، بایستی به قابلیت انعطاف پذیری آن آگاه بوده و متناسب با چنین ویژگی‌ای به اتخاذ تدابیر کیفی برای مقابله با آن پرداخت. با وجود این، بسیاری از تدابیر کیفی بدون آگاهی به انعطاف پذیری بازارها و یا بدون توجه به آن شکل می گیرند و آشکار است که بدون شناخت همه جانبه و کافی نسبت به یک پدیده، انتظار پیروزی آن تدابیر بی حاصل خواهد ماند.

وجود چنین نتایجی دلالت‌های مهمی برای طراحان و مجریان برنامه‌های پلیسی دارد؛ به بیانی دیگر، آگاهی به نتایج ناخواسته برنامه‌های پلیسی مسئله‌ای مهم به هنگام تدوین طرح‌های پلیسی و اجرای آن است. در واقع، شناخت سبک رفتاری فروشندگان مواد برای سیاست‌گذاران در این حوزه دارای اهمیت است؛ از این حیث که وجود چنین موضوعی پاسخی به چرایی عدم اثربخشی برنامه‌های گوناگون ناظر بر کنترل بازارهای مواد مخدر و هم‌چنین تعیین کیفی‌های سخت‌گیرانه است. تأکید بر افزایش شدت مداخله‌های پلیسی با توجه به انتظار وجود عکس‌العمل‌های مذکور از سوی فروشندگان اثربخشی مداخله‌ها را کاهش می‌دهد. این در حالی است که می‌توان با تمرکز بر محور تقاضا و به‌طور خاص پیشگیری از اعتیاد، انگیزه اصلی این فعالیت‌های بزه‌کارانه - یعنی کسب سود - را کم‌رنگ ساخته و از این طریق موجبات اختلال در بازار را فراهم آورد. به همین جهت، بایسته است تا سیاست‌های ناظر بر پیشگیری از اعتیاد، درمان مصرف‌کنندگان و اجرای برنامه‌های کاهش آسیب اهمیت به‌مراتب بیشتری در تدوین سیاست‌های کلی در این حوزه داشته باشد.

Archive of SID

پیوست ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شماره	مشخصات مصاحبه‌شونده	مکان مصاحبه	تاریخ انجام مصاحبه	طول مدت مصاحبه
۱	فروشنده مواد مخدر	دروازه غار	۱۳۹۴/۱۱/۳	۰۰:۴۸
۲	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (غربتی‌ها)	۱۳۹۴/۱۱/۱۰	۰۰:۵۳
۳	فروشنده مواد مخدر	دروازه غار	۱۳۹۴/۱۱/۲۰	۱:۴۰
۴	فروشنده مواد مخدر	دروازه غار	۱۳۹۴/۱۱/۱۶	۱:۳۲
۵	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲۱	۰۰:۵۰
۶	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲۳	۱:۰۰
۷	فروشنده مواد مخدر	محل شوش	۱۳۹۴/۱۱/۲۴	۱:۰۴
۸	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲۴	۱:۰۸
۹	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲۵	۰۰:۵۱
۱۰	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲۵	۰۰:۴۷
۱۱	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (غربتی‌ها)	۱۳۹۴/۱۱/۲۸	۱:۱۵
۱۲	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۳۰	۱:۱۸
۱۳	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۳۱	۱:۲۰
۱۴	فروشنده مواد مخدر	محل شوش (پارک)	۱۳۹۴/۱۱/۲	۱:۳۵

۰۰:۳۸	۱۳۹۴/۱۱/۲	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۱۵
۰۰:۵۶	۱۳۹۴/۱۲/۵	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۱۶
۱:۲۲	۱۳۹۴/۱۲/۶	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۱۷
۱:۱۱	۱۳۹۴/۱۲/۷	دروازه غار	فروشنده مواد مخدر	۱۸
۱:۳۲	۱۳۹۴/۱۲/۹	دروازه غار	فروشنده مواد مخدر	۱۹
۱:۴۰	۱۳۹۴/۱۲/۱۱	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۲۰
۰۰:۵۳	۱۳۹۴/۱۲/۱۲	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۲۱
۱:۵۰	۱۳۹۴/۱۲/۱۲	محله شوش (غربتی‌ها)	فروشنده مواد مخدر	۲۲
۱:۳۳	۱۳۹۴/۱۲/۱۳	محله شوش (پارک)	فروشنده مواد مخدر	۲۳
۰۰:۵۷	۱۳۹۴/۱۲/۱۵	دروازه غار	فروشنده مواد مخدر	۲۴
۲:۳۰	۱۳۹۴/۱۲/۱۷	دروازه غار	فروشنده مواد مخدر	۲۵
۰۰:۵۵	۱۳۹۵/۸/۱۰	دروازه غار	فروشنده مواد مخدر	۲۶
۰۰:۴۳	۱۳۹۵/۸/۱۰	بازار بزرگ تهران	فروشنده مواد مخدر	۲۷

پیوست ۲: مشخصات مشاهده‌های غیرمشارکتی:

شماره	مورد مشاهده	تاریخ مشاهده	مدت مشاهده	محل مشاهده
۱	فروش مواد هنگام ظهر	۱۳۹۴/۱۱/۱۶	۱۰ دقیقه	محل دروازه غار
۲	فروش مواد به هنگام عدم حضور مأمور	۱۳۹۴/۱۱/۲۳	در طول زمان حضور در میدان	محل دروازه غار
۳	فروش توسط فروشندگان دیگر	۱۳۹۴/۱۲/۱۳	۴۰ دقیقه	محل شوش
۴	فروش مواد به هنگام عدم حضور مأمور	۱۳۹۴/۱۱/۲۴	در طول زمان حضور در میدان	محل دروازه غار
۵	تغییر مکرر مکان فروش مواد	۱۳۹۴/۱۲/۹	۳ ساعت	محل شوش
۶	فروش مواد به هنگام عدم حضور مأمور	۱۳۹۴/۱۱/۲۵	در طول زمان حضور در میدان	محل شوش
۷	استفاده از جاساز انسانی برای فروش مواد	۱۳۹۴/۱۱/۳۰	۱۵ دقیقه	محل شوش
۸	فروش مواد به هنگام عدم حضور مأمور	۱۳۹۴/۱۱/۲۴	در طول زمان حضور در میدان	محل شوش
۹	استفاده از جاساز (اشیا) برای فروش مواد	۱۳۹۴/۱۲/۲	۲۰ دقیقه	محل دروازه غار
۱۰	فروش توسط فروشندگان دیگر	۱۳۹۴/۱۱/۲	۳۰ دقیقه	محل شوش
۱۱	تغییر مکرر فروش مواد	۱۳۹۴/۱۱/۳۱	در طول زمان حضور در میدان	محل شوش
۱۲	فروش در کنار درب خانه	۱۳۹۴/۱۲/۶	۱۵ دقیقه	محل شوش
۱۳	فروش در کنار درب خانه	۱۳۹۴/۱۲/۶	در طول زمان حضور در میدان	محل شوش

منابع

- فرجیها، محمد (۱۳۸۴) «ارزیابی مداخله پلیس در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، در علوم جنایی»، گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد نخست، کمیته معاضدت قضایی و ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران.
- مؤیدی، علی (۱۳۹۴) «اجرای الگوی انتظامی مقابله با فروش مواد مخدر»، فصلنامه مطالعات مبارزه با مخدر، سال هفتم، شماره بیست و چهارم و بیست و پنجم: صص ۳۷-۴۵.
- قربانی، محسن؛ برسلانی، شهلا (۱۳۹۱) «میزان تأثیر کمیابی و ناخالصی مواد بر تغییر الگوی مصرف مواد از کم‌خطر به پرخطر (نمونه موردی شهرستان بجنورد)»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال دوم، شماره ششم: صص ۴۱-۷۹.
- Aitken, C., Moore, D., Higgs, P., Kelsall, J., & Kerger, M. (2002). "The impact of a police crackdown on a street drug scene: evidence from the street". *International journal of drug policy*, 13(3): pp. 193-202.
- Baveja, A., Jamil, M., & Kushary, D. (2004). "A sequential model for cracking down on street markets for illicit drugs". *Socio-Economic Planning Sciences*, 38(1): pp. 7-41.
- Bouchard, M. (2007). "On the resilience of illegal drug markets". *Global crime*, 8(4): pp. 325-344.
- Brownstein, H. H., & Taylor, B. G. (2007). "Measuring the stability of illicit drug markets: Why does it matter?". *Drug and alcohol dependence*, 90, S52-S60.
- Bush, W., Roberts, M., & Trace, M. (2004). *Upheavals in the Australian drug market: heroin drought, stimulant flood*. Beckley foundation drug policy programme.
- Caulkins, J. P. (2000). "Measurement and analysis of drug problems and drug control efforts". *Criminal justice*, 4: pp. 391-449.

- Fader, J. J. (2016). "Selling Smarter, Not Harder: Life Course Effects on Drug Sellers' Risk Perceptions and Management". *International Journal of Drug Policy*.
- Jacobs, B. A. (1996). "Crack dealers' apprehension avoidance techniques: A case of restrictive deterrence". *Justice Quarterly*, 13(3): pp. 359-381.
- Jacques, S., & Allen, A. (2014). "Bentham's Sanction Typology and Restrictive Deterrence A Study of Young, Suburban, Middle-Class Drug Dealers". *Journal of drug issues*, 44(2): pp. 212-230.
- Kerr, T., Small, W., & Wood, E. (2005). "The public health and social impacts of drug market enforcement: A review of the evidence". *International journal of drug policy*, 16(4): pp. 210-220.
- Loxley, W. (1998). "Weed or speed? Convicted drug dealers' views of substitutions in the Western Australian illicit drug market to 1992". *International Journal Of Drug Policy*, 9(2): pp. 109-118.
- May, T., & Hough, M. (2001). "Illegal dealings: The impact of low-level police enforcement on drug markets". *European Journal on Criminal Policy and Research*, 9(2): pp. 137-162
- May, T., Duffy, M., Few, B., & Hough, M. (2005). *Understanding Drug Selling in Local Communities*. Joseph Rowntree Foundation: York.
- Moeller, K., Copes, H., & Hochstetler, A. (2016). "Advancing restrictive deterrence: A qualitative meta-synthesis". *Journal of Criminal Justice*, 46: pp. 82-93.
- Stevens, A. (2016). *Applying harm reduction principles to the policing of retail drug markets*. Modernizing drug law enforcement report 3. *Lancet*.
- Tzvetkova, M., Pardal, M., Disley, E., Rena, A., Talic, S., & Forberger, S. (2016). "Strategies for a risky business: How drug dealers manage customers, suppliers and competitors in Italy, Slovenia and Germany". *International Journal of Drug Policy*, 31: pp. 90-98.
- Unit, E. I. (2004). *Reducing the impact of local drug markets. A research review: Scottish Executive Effective Interventions Unit. Towards an integral and integrated drug Policy: Pearls and Pitfalls*.
- Werb, D., Bouchard, M., Kerr, T., Shoveller, J., Qi, J., Montaner, J., & Wood, E. (2011). "Drug dealing cessation among a cohort of drug users

- in Vancouver, Canada". *Drug and alcohol dependence*, 118(2): pp. 459-463.
- Wood, E., Spittal, P. M., Small, W., Kerr, T., Li, K., Hogg, R. S., & Schechter, M. T. (2004). "Displacement of Canada's largest public illicit drug market in response to a police crackdown". *Canadian Medical Association Journal*, 170(10): pp. 1551-1556.

سایت‌های مورد استفاده

- <http://www.salamatnews.com/news/24697>
- <http://hamshahrionline.ir/details/258509>
- <http://www8.irna.ir/fa/News/81673272/>
- <http://www.farhangnews.ir/content/89206>
- <http://www.ghatreh.com/news/mn30686846>

Archive of SID

Reactions of Drugs Markets to the Police Intervention: Reduction or Displacement

Azadeh Sadeghi¹ – Muhamad Farajiha²

(Received: 19/ 1/ 2017 - Accepted: 28/ 6/ 2017)

Abstract

Increasing the costs and risks of crimes has been emphasized in the police controls of drug markets to make dealers reluctant to be engaged in the market or even arrest them. From this viewpoint, reactions of drug markets and dealers against these programs determine their effectiveness. Hence, the main question is how drug markets respond to the police programs? Do these policies decrease supplying of drugs or the main parts of such markets are faced with the temporal, tactical, and geographical displacements? In this study, three methods are used: a) deep interview with 27 drug dealers b) non-participant observation of drug dealers activities in the drug market, and c) discourse analysis of formal official. The Findings suggest that dealers manage the risks in drug markets by different strategies: Changing times of selling drugs, using different techniques such as carrying a few drugs, changing market place, selling drugs to friends, etc. From this point of view, staying in the drug market and selling drugs challenge the effectiveness of police intervention in drug markets. Moreover, the entry of new dealers, change in the type of drugs and adding impurities in the drugs make police interventions ineffective.

Keyword: Police Programs, Temporal Displacement, Geographical Displacements, Effectiveness, Drug Dealers

-
1. Ph.D. Graduate in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modarres University. Tehran (Corresponding Author): sadeghiazade@yahoo.com
 2. Associate Professor in in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modarres University. Tehran